



بسم الله الرحمن الرحيم (1)

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين. خیلی تشکر میکنم از این اقدام لازم و بسیار مفیدی که شما برادران عزیز، خواهران عزیز، انجام دادید و یاد و نام شهیدان برجسته‌ی آذربایجان و تبریز را - که البته فراموش نشدنی است - باز هم برتر و والاتر و روشن‌تر مطرح کردید؛ بسیار اقدام خوب و بجایی است. البته فاصله‌ی بین اولین بزرگداشتی که سالها پیش انجام گرفت و این بزرگداشت، یک مقدار زیاد شد؛ جا دارد که این جور اقدامات و بزرگداشتها و یادآوری‌ها و ذکرها زودبه‌زود تکرار بشود، همان طوری که ما در محرّمهای هر سال یاد شهیدان کربلا را گرامی میداریم؛ الان هزار و مثلاً سیصد سال است که مرتباً این تکرار میشود، [اما] این تکرار جزو تکرارهای ملال آور نیست، جزو تکرارهای لازم و مفید به حال جامعه و امروز و فردای ما است.

درباره‌ی تبریز و آذربایجان، سخن تمجیدآمیز کم نیست، ما هم در دیدارهای سالیانه‌ای که با شما داشته‌ایم، مکرر در این زمینه صحبت کرده‌ایم. درباره‌ی شهیدان هم آنچه امروز در این جلسه امام‌جمعه‌ی محترم و فرمانده محترم سپاه گفتند، بسیار خوب و کامل بود؛ همه‌ی توصیه‌هایی را که ما می‌خواهیم عرض کنیم و معمولاً می‌گوییم، بحمدالله آقایان توجه داشتند و خیلی‌هایش را اقدام کرده‌اید. من همین اندازه عرض بکنم که یکی از وظایف ما این است که متوجه به «خود»، به «خودی خود»، باشیم. ملت ایران هویت خود را بایستی فراموش نکند؛ اگر هویت خود را فراموش کرد، ضربه خواهد خورد، سیلی خواهد خورد، عقب خواهد ماند. خدای متعال برای کسانی که یاد او را فراموش کردند میفرماید: تَسُوا اللَّهَ فَنُصَلِّهِمْ أَتَمًّا (2) آنها خدا را فراموش کردند، خدا هم آنها را از خودشان غافل کرد و مبتلا به فراموشی از خودشان کرد. این نشان‌دهنده‌ی آن است که توجه به خود، هویت خود، خصوصیات خود، برای شخص، برای هر ملت، برای هر مجموعه یک امر لازمی است.

آذربایجان باید به آن هویتی که آن را ممتاز کرده است، توجه کامل داشته باشد. به معنای واقعی کلمه، مجموعه‌ای که ما آن را «آذربایجان» مینامیم یک هویت ممتاز در میان ملت ایران است. آذربایجان مهد ازجان‌گذشتگان و شهیدان است. مخصوص دفاع مقدس نیست؛ از قبل هم همین جور بوده، بعد هم همین جور است. تا آنجایی که مربوط میشود به مسئله‌ی انقلاب اسلامی - اگر بخواهیم محاسبه کنیم - از پیش از انقلاب، یعنی از شروع نهضت امام بزرگوار و ملت ایران، رفتار شهادت و آهنگ شهادت در آذربایجان شروع شده است، تا امروز. در قضایای دفاع از حرم، ما شهدای آذربایجانی داریم. البته اوج این فداکاری‌ها، اوج این نشان دادن ارزش و منش والای آذربایجانی، در دفاع مقدس بود و همین شخصیت‌هایی که ایشان اسم بردند: شهید آقا مهدی باکری، شهید حمید باکری، شهید تجلایی، شهید یاغچیان، همین برادران بزرگ و برجسته‌ای که بودند و به لقاءالله پیوستند، بسیاری از همین عزیزان و برجستگان هم بحمدالله امروز هستند؛ یعنی این خصوصیت شهادت‌طلبی و برجستگی در فداکاری، مخصوص جنگ تحمیلی و دوران دفاع مقدس نیست، [بلکه] از قبل از پیروزی انقلاب تا امروز ادامه داشته است. این شهر دو امام‌جمعه‌ی شهید دارد؛ (3) یعنی از این پنج امام‌جمعه‌ی شهیدی که در سرتاسر کشور جزو افتخارات روحانیتند، (4) دو امام‌جمعه مربوط به شهر تبریز است. اینها اهمیت دارد، اینها خیلی برجسته است.

آنچه بنده به عنوان توصیه عرض میکنم این است که اولاً نگذارید جوشش خون شهیدان فروبشینند؛ یعنی یاد شهیدان صرفاً خاطره‌پردازی نیست؛ معنایش این است که آن تقوا، آن فداکاری، آن شجاعت، آن گوهر درخشان وجودی‌ای که امثال شهید باکری را مثلاً میکشاند وسط میدان، منعکس بشود، منتقل بشود، به نسل جدید الگو بدهد. جوان ما الگو میخواهد و بهترین الگو اینها هستند. بعضی از ملت‌ها که دستشان از این جهت بکلی خالی است یا تا حدود زیادی خالی است، الگو میسازند، جعل میکنند، بدون اینکه وجود داشته باشد. ما این الگوها را در مقابلمان داریم. شهید باکری را فقط در میدان جنگ نباید دید، پشت جبهه هم باید دید، در دانشگاه تبریز هم باید دید،



فعالیت‌های دوران پیش از انقلابش را هم باید دید، آن روحیه را باید دید. من پیش از انقلاب، شهید آقا مهدی باکری را در مشهد ملاقات کردم؛ پُرشور، علاقه‌مند، فهمیده، قادر بر تحلیل قضایا. خب این میشود که بعد در جنگ، در میدان دفاع مقدّس، آن‌جور میدرخشد و دلها را به خودش جذب میکند. این روحیه باید منعکس بشود. ما اگر فیلم می‌سازیم، اگر شعر می‌گوییم، اگر کتاب مینویسیم، اگر خاطره تدوین میکنیم و منتشر میکنیم، باید توجّه داشته باشیم که این روحیه منعکس بشود؛ این روحیه، روحیه‌ی سازنده است. این مطلب اوّل: نگذارید جوشش خون شهیدان فروبندند. ببینید، همین‌طور که اوّل عرض کردم، شبیه عزاداری سیدالشهدا (سلام الله علیه)؛ یعنی [همان‌طور که] هر سال محرم که میشود، عاشورا که میشود، شما کأنه عاشورای سال ۶۱ را در مقابل خودتان می‌بینید، حوادث منعکس میشود، شخصیت‌ها در مقابل چشم مستمع زنده میشوند؛ این باید در مورد شهدای دفاع مقدّس و همین ده هزار شهیدی که به آنها اشاره کردید، اتفاق بیفتد.

مطلب دوّم این است که خانواده‌های شهدا را فراموش نکنید. متأسّفانه بسیاری از پدرمادرها از دنیا رفته‌اند، به شهیدانشان ملحق شده‌اند؛ آن کسانی که هستند - چه همسران شهدا، چه پدران و مادران شهدا - از خاطرات اینها، از توصیف‌های اینها استفاده کنید. همچنین از همکاران و دوستان اینها؛ خب مثلاً شهید باکری در دوران جنگ همکاران زیادی داشت که بعضی الان بحمدالله زنده، سالم، آماده‌اند و جزئیات زندگی او را آنجا دیده‌اند. شجاعت فقط در جنگیدن نیست؛ شجاعت در تسلط بر نفس، شجاعت در گفتن، در نگفتن، در امساک کردن، در اقدام کردن [هم هست]؛ همه‌ی اینها خیلی مهم است. کسانی هستند که اینها را از نزدیک دیده‌اند، شناخته‌اند؛ از اینها استفاده بشود، با اینها مصاحبه بشود، گفتگو بشود، حالات شهیدان به صورت سند واقعی ضبط بشود و شناخته بشود. این هم یک مطلب است.

و یک مطلب هم این است که در نگاه به شهیدان، زمینه‌های عروج شهیدان شناسایی بشود؛ مثلاً مردم، یا آن کسانی که اوّلین جرّقه‌ها را به وجود آوردند، مثل شهید قاضی طباطبائی که در این قضایای انقلاب، مثلاً در بیست‌ونهم بهمن سال ۵۶، ایشان بود که اوّلین جرّقه را [به وجود آورد]، اوّلین حرکت را کرد، مردم را به محلّ خودش و مسجد خودش دعوت کرد و [مابقی] آن قضایا؛ یعنی زمینه‌ها معلوم بشود. اینکه بعد از حادثه‌ی قم، اوّلین حرکت در تبریز اتفاق افتاد نه در فلان شهر و فلان شهر، علتش چیست؟ چه خصوصیتی در این مردمی هست که این‌جور جوان می‌آفرینند، این‌جور تربیت میکنند، این‌جور شهید تقدیم میکنند؟ اینها خیلی مهم است؛ یعنی هویت قومی، هویت ملی، هویت دینی. بنده یک وقتی در اجتماع همین مجموعه‌ی برادران و خواهران آذربایجانی گفتم، (5) مرحوم ستارخان در قضایای مشروطیت و آن حوادثی که داشت و اقداماتی که کرد، کاغذ علمای نجف در جیبش بود؛ یعنی از علمای نجف استفتاء کرده بود، سؤال کرده بود، آنها هم به او جواب داده بودند، او با این نیت حرکت میکرد؛ این خیلی مهم است. زمینه‌ی حرکت چیست؟ این روشن بشود؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است. اگر اینها شد، آن وقت حرکت ادامه پیدا میکند.

خب، [نقش] لشکر 31 عاشورا که مشخص است؛ شخصیت‌هایی بودند که واقعاً درخشیدند؛ بنده به نقش پایگاه دوّم شکاری (6) باید اشاره کنم: آن حرکت عظیم هواپیماهای جنگنده‌ی ما در همان روزهای اوّل جنگ که البته از پایگاه دوّم و پایگاه‌های دیگر - پایگاه سوّم (7) و چهارم (8) - حرکت کرده بودند و رفتند و آن کار بزرگ را انجام دادند؛ در همان هفته‌ی اوّل جنگ این کار را کردند که بنده همان وقت رفتم مجلس و گزارش این حرکت را به نمایندگان مجلس دادم. اینها چیزهایی است که قابل توجّه و حائز اهمیت بسیار است و بایستی ان‌شاءالله در ذهنها بماند، در حافظه‌ی تاریخی ملت ایران باید ثبت بشود؛ یعنی واقعاً مهم‌ترین کار این است که این حوادث مهم، این پدیده‌های مؤثر و کم‌نظیر و در مواردی بی‌نظیر، در حافظه‌ی تاریخی ملت ایران ثبت بشود و جوان ما، نوجوان ما اینها را بداند. البته ما تا الان یک مقدار کم‌کاری داشته‌ایم و خیلی از جوانهای ما، خیلی از نوجوانهای ما، چهره‌های برجسته را نمی‌شناسند و خیلی از قضایا را هم را نمیدانند؛ ما باید اینها را چه در دستگاه‌های تبلیغی رسمی مثل صداوسیما و مانند اینها و چه در وسایلی که امروز در اختیار مردم و در دسترس مردم هست، پخش کنیم. امیدوارم خدای متعال به همه‌ی شما توفیق بدهد و بتوانید این کار بزرگ را به سرانجام برسانید و ان‌شاءالله در



آینده، فاصله‌ی بین این یادبودها و تذکرها از آن فاصله‌ای که امروز با یادبود قبلی وجود دارد کمتر بشود.
والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

www.leader.ir

1. در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی آل‌هاشم (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام‌جمعه‌ی تبریز) و سردار اصغر عباسقلی‌زاده (فرمانده سپاه عاشورای استان آذربایجان شرقی و دبیر کنگره) گزارشهایی ارائه کردند.
2. سوره‌ی حشر، بخشی از آیه‌ی ۱۹
3. شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبائی و شهید آیت‌الله سیداسدالله مدنی
4. شهید آیت‌الله محمد صدوقی، شهید آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی، شهید آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب، شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبائی و شهید آیت‌الله سیداسدالله مدنی
5. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی (28/11/1391)
6. پایگاه دوّم شکاری شهید فکوری تبریز
7. پایگاه سوّم شکاری شهید نوژهی همدان
8. پایگاه چهارم شکاری شهید وحدتی دزفول